

## حق تعلیم و تربیه زنان

علم، انسان را قادر می‌سازد تا خود و آنچه را که در اطراف خود مشاهده می‌نماید شناسائی کند و از تفکر درست در آنها، خالق کون و مکان را شناخته و از اوامر و نواهی او اطلاع حاصل نماید، تا آنچه را که امر کرده است انجام دهد و آنچه را که منع نموده است اجتناب ورزد. همچنین انسان باید اعمال روزمره اش را روی یک پلان و طرح درست به طور احسن انجام بدهد. این کار زمانی ممکن است که انسان تعلیم و تربیه کامل حاصل نموده و با زیور علم آراسته شده باشد.

در پیشرفت و تکامل جوامع بشری نقش تعلیم و تربیه بسیار مهم، واضح و روشن است. همه‌ی انسان‌ها می‌دانند که فقط با کسب علم و ادب می‌توانند به مدارج عالی انسانی قدم برداشته و به واسطه آن به رحمت پروردگار مخلوقات نزدیک شوند و از همین طریق مطیع و پرهیزگار باشند.

در نوشتار حاضر حق تعلیم و تربیه زن را از دیدگاه اسلام و از دیدگاه قانون بحث می‌کنیم:

### گفتار اول: حق تعلیم و تربیه زن از دیدگاه اسلام

شریعت اسلامی حکم تعلیم زن را واضح بیان نموده است و آموختن علم را بر هر مسلمان فرض نموده است، و تکالیف شرعی را بالای مرد و زن لازم ساخته است. پس تعلیم زن مانند تعلیم مرد، با ارزش است. اگر زن بی‌سواد باشد، هیچ وقت نمی‌تواند بطور درست احکامی که از قبیل حلال و حرام و غیره مربوط اش می‌شود را بداند. بی‌سوادی و جهالت زن سبب برپایی ملت و جامعه می‌گردد، زیرا طفل اولتر از همه از مادر می‌آموزد، پس مادری که خود چیز نیاموخته باشد برای اطفال خود چی بیاموزد! اگر مادر با علم و بادانش باشد و مسؤولیت‌های دینی خویش را بداند و درک کند، با اخلاق نیکو ملبس باشد، بدون شک در تعلیم و تربیه اطفال خود موفق می‌باشد.

زنان مسلمان در عصر پیامبر ﷺ اهمیت تعلیم را می‌دانستند و در فراگیری آن از یکدیگر پیشی می‌نمودند و پیامبر اکرم ﷺ آنانرا در این مورد تشویق می‌نمود و مجالس علمی ویژه برای آنها ترتیب می‌داد. شکی نیست که زنان مسلمان در عصر اول اسلام از چشمه صاف، علم بدست می‌آوردند و از میان آنان در محلات مختلف افراد دانا ظهور نمودند، بعضی آنان دانشمندان علوم تفسیر، حدیث و فقه شدند، و بعضی دیگر در ادب و شعر دست بالایی داشتند. از آنان در موارد مختلف و بخصوص در مورد احکام مربوط به خانواده و زنان؛ احکام روایت شده است، بعضی از اصحاب کرام، از امهات المومنین که در رأس آنان عائشه (رضی الله عنها) قرار داشت در مورد موضوعات مختلف از ایشان معلومات بدست می‌آوردند.

شکی نیست که بسیاری از صحابیات و تابعیات در علم و هنر رشد نمودند، و بسیاری از زنان در تفسیر، حدیث و دیگر علوم دینی شهرت یافتند و از آن گذشته در علوم طبی نیز نیز شهرت کسب کردند.

در زیر، برخی آیات قرآن کریم و احادیث پیامبر ﷺ را پیرامون تحصیل علم و تعلیم و تربیه زنان ذکر می‌کنیم:

### فرع اول: آیات قرآن کریم پیرامون تحصیل علم

1- ﴿وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِئْتُهُ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾<sup>1</sup> ترجمه: «شایسته نیست، مؤمنان همگی (به سوی میدان جهاد) کوچ کنند، چرا از هر گروهی، طایفه ای از آنان کوچ نمی‌کند (و طایفه ای بماند) تا در دین (و معارف و احکام اسلام) آگاهی پیدا کنند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود آنها را انداز نمایند تا (از مخالفت فرمان پروردگار) بترسند و خودداری نکنند.»<sup>2</sup>

2. ﴿يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾<sup>3</sup> ترجمه: «اللَّهُ آنها را که ایمان آورده اند و کسانی را که از علم بهره دارند درجات عظیمی می‌بخشد، و اللّٰه به آنچه انجام می‌دهید آگاه است»<sup>4</sup>

3. ﴿قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾<sup>5</sup> ترجمه: «بگو آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟ تنها صاحبان مغز متذکر می‌شوند.»<sup>6</sup>

4. ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ (1) خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ (2) اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ (3) الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ (4) عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ﴾<sup>7</sup> ترجمه: «بخوان به نام پروردگارت که (جهان را) آفرید. همان ذات که انسان را از خون بسته‌ای خلق کرد! بخوان که پروردگارت (از همه) بزرگوارتر است. همان ذات که بوسیله قلم تعلیم نمود. و به انسان آنچه را نمی‌دانست یاد داد.»<sup>8</sup>

#### فرع دوم: احادیث نبوی ﷺ در مورد تعلیم و تربیه زنان

1- قَالَ حُمَيْدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ سَمِعْتُ مُعَاوِيَةَ: (حَطِيبًا يَقُولُ يَقُولُ سَمِعْتُ النَّبِيَّ ﷺ يَقُولُ مَنْ يَرِدِ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا يَفْقَهُهُ فِي الدِّينِ)<sup>9</sup> ترجمه: حمید فرزند عبد الرحمن می‌گوید: شنیدم که معاویه ﷺ در حال خطبه دادن می‌گفت: از رسول اکرم ﷺ شنیدم که می‌فرمود: "هرگاه اللّٰه ﷻ خواسته باشد برای یک بنده اراده خیر کند؛ به وی دانش درست دینی عطاء می‌فرماید."

2- قَالَتْ عَائِشَةُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا: (نِعْمَ النِّسَاءُ نِسَاءَ الْأَنْصَارِ لَمْ يَمْنَعُنَّ الْحَيَاءَ أَنْ يَتَفَقَّهْنَ فِي الدِّينِ).<sup>10</sup> ترجمه: عائشه رضی اللّٰه عنہا می‌فرماید: "زن های انصار چقدر عالی اند! آنها از آموختن دانش دینی شرم نمی‌کنند."

3. عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَتْ النِّسَاءُ لِلنَّبِيِّ ﷺ: (غَلَبْنَا عَلَيْكَ الرَّجَالَ فَاجْعَلْ لَنَا يَوْمًا مِنْ نَفْسِكَ، فَوَعَدَهُنَّ يَوْمًا لِقِيمَتِنَ فِيهِ فَوَعظُنَّ...)<sup>11</sup> ترجمه: از ابو سعید خدری ﷺ روایت است که زنان به پیامبر اکرم ﷺ گفتند: "مردها (در همصحبتی با شما و فراگیری علم) بر ما غالب شدند، پس یک روز خود را به ما نیز اختصاص بدهد (تا از شما بیاموزیم) پیامبر ﷺ وعده کرد که یک روز را برای آنها اختصاص می‌دهد، و در آن روز با آنها ملاقات نموده و برای شان وعظ کرد."

1 - سوره التوبه: الآیه: 122

2. تفسیر نمونه، ج 8، ص 189

3 - سوره المجاله: الآیه: 11

4. تفسیر نمونه: ج 23، ص 438

5 - سوره الزمر: آیه 9

6. تفسیر نمونه: ج 19، ص 389

7 - سوره العلق: آیات 1-5

8. تفسیر نمونه: ج 27، ص 152

9- صحیح البخاری، باب من یرد اللّٰه به خیراً یفقه فی الدین شماره حدیث: 71

10- صحیح البخاری، باب الحیاء فی العلم، شماره حدیث: 129

11 - صحیح البخاری، باب هل یجعل للنساء یوم علی حده فی العلم. شماره حدیث: 101

4. حَدَّثَنِي أَبُو بُرْدَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: (...وَرَجُلٌ كَانَتْ عِنْدَهُ أَمَةٌ فَأَدَّبَهَا فَأَحْسَنَ تَأْدِيبَهَا وَعَلَّمَهَا فَأَحْسَنَ تَعْلِيمَهَا ثُمَّ أَغْتَقَهَا فَتَزَوَّجَهَا فَلَهُ أَجْرَانِ).<sup>12</sup> ترجمه: ابو برده رضی الله عنه از پدر خود روایت می‌کند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: "مردی که کنیزدختری دارد و برای او تربیه و تعلیم خوب بدهد، سپس وی را آزاد نموده و با او ازدواج کند، الله تعالی برای آن مرد، دو برابر پاداشت می‌دهد"

5- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: (إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَنْهُ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثَةٍ إِلَّا مِنْ صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ أَوْ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ بِهِ أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ).<sup>13</sup> ترجمه: از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: "وقتی که انسان می‌میرد عمل او قطع می‌گردد مگر از سه چیز، از صدقه جاریه، علمی که بعد از مرگش به دیگران فایده برساند و اولادی که برایش دعا کند."

باید گفت که تمام آیات و احادیثی که در بارة تحصیل علم و دانش وارد شده است، همانند (یا ایها الناس) و (یا ایها الذین آمنوا) عمومی است، و شامل زن و مرد می‌شود. اسلام "علم" را نور و بینایی و "جهل" را ظلمت و کوری می‌خواند. چنانچه در قرآن کریم آمده است: ﴿قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ...﴾<sup>14</sup> ترجمه: "بگو آیا نابینا و بینا یکسان است؟ یا ظلمتها و نور برابرند؟"<sup>15</sup> منظور از نابینا؛ چشم نابینای جاهل، و منظور از بینا؛ چشم بینای عالم است، و منظور از ظلمتها؛ تاریکی‌های جهالت، و منظور از نور؛ نور علم و معرفت می‌باشد.

در آیت دیگر آمده است: ﴿قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾<sup>16</sup> ترجمه: «بگو آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟ تنها صاحبان مغز متذکر می‌شوند.»<sup>17</sup> و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز فرموده‌اند: (طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَىٰ كُلِّ مُسْلِمٍ)<sup>18</sup> ترجمه: "فرا گرفتن علم بر هر فرد مسلمان فرض است."

وقتی علم از دیدگاه اسلام نور و بینایی است، و دستیابی به آن بر هر مسلمان فرض می‌باشد، پرسش این است که آیا از نظر اسلام تنها بر مردها لازم است که از ظلمت خارج و در روشنایی داخل شوند، و زنان چنین نباشند در ظلمت جهل و نادانی باقی بمانند؟ در پاسخ باید گفت: نخیر، این فریضه شامل مردان و زنان است زیرا زبان شناسان عربی اتفاق نظر دارند بر اینکه هرگاه مخاطب، مرد و زن باشد، لفظ به صیغه مذکر استعمال می‌شود.<sup>19</sup>

آیه دیگری در وصف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است که می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾<sup>20</sup> ترجمه: «او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت تا آیاتش را بر آنها بخواند، و آنها را پاکیزه کند، و کتاب و حکمت بیاموزد.»<sup>21</sup> در

<sup>12</sup> - صحیح البخاری، باب تعلیم الرجل امته شماره حدیث: 97

<sup>13</sup> - صحیح مسلم، باب ما يلحق الانسان من الثواب بعد وفاته شماره حدیث 4310

<sup>14</sup> - سوره الرعد: الآیه: 16

<sup>15</sup> . تفسیر نمونه: ج 10، ص 159

<sup>16</sup> - سوره الزمر: الآیه: 9

<sup>17</sup> . تفسیر نمونه: ج 19، ص 389

<sup>18</sup> - سنن ابن ماجه، باب فضل العلماء و الحث على طلب العلم. شماره حدیث: 224

<sup>19</sup> - محمد الأمين الشنقيطي، تفسیر "أضواء البيان" ج 6، ص 637. و سیبویه، "الکتاب"، ج 1، ص 22.

<sup>20</sup> - سوره الجمعة: الآیه 2

<sup>21</sup> . تفسیر نمونه: ج 24، ص 104

آیه مبارکه «تزکیه» و «تعلیم» با هم ذکر شده و به صیغه مذکر آمده است. آیا می شود ﴿يَزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ﴾ را منحصر به مردان دانست؟!

همچنان الله ﷻ می فرماید: ﴿أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ﴾<sup>22</sup> ترجمه: «آیا کسانی را که ایمان آورده اند و عمل صالح انجام داده اند همچون مفسدان در زمین قرار دهیم، یا پرهیزگاران را همچون فاجران!»<sup>23</sup>

همچنان می فرماید: ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾<sup>24</sup> ترجمه: «گرامیترین شما نزد الله باتقواترین شماست»<sup>25</sup>

در همه این موارد صیغه ها مذکر است. آیا می توان ادعا کرد، آنچه در باره «تقوا» گفته شده اختصاص به مردها دارد و شامل زنان نیست؟ در این صورت زن ها باید از کلیه احکام و فرایض معاف باشند. در پاسخ باید گفت: خیر، آنچه در باره تقوی گفته شده، شامل مردان و زنان به طور یکسان است، زیرا زبان شناسان عربی اتفاق نظر دارند بر اینکه هرگاه مخاطب، مرد و زن باشد، لفظ به صیغه مذکر استعمال می شود.<sup>26</sup>

همچنین آیا می توان گفت فرموده پیامبر اکرم ﷺ: «طَلَبُ الْعِلْمِ قَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ» چون «مسلم» مذکر است تعبیر «کل مسلم» شامل زنان نمی شود؟ هرگز. زیرا این تعبیرات اطلاق دارد و مقید به رجولیت نیست و اختصاص از آن فهمیده نمی شود. «مسلم» یعنی: مسلمان، چه مرد باشد چه زن. علاوه بر آن در همه نمونه هایی که شبیه این تعبیر هست، همین طور عمومیت دارد. مثلا در حدیث: (الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ)<sup>27</sup> ترجمه: «مسلمان آن است که سایر مسلمانان از دست و زبان او در امان باشند»، بدیهی است که مقصود روایت این نیست که فقط مرد مسلمان اینطور باشد. همچنین در مفهوم این حدیث: «المسلم أخ المسلم»<sup>28</sup> «مسلمان برادر مسلمان است»، نمی توان گفت که پیام مربوط به مردها است، زیرا اگر چنین می بود در قسمت زنها باید گفته می شد که «المسلمة أخت المسلمة» "زن مسلمان خواهر زن مسلمان است" در حالی که اینچنین گفته نشده است، پس یقین است که پیامهای عمومی که به صیغه مذکر بیان می شود زنان را نیز در بر می گیرد، گرچه کلمه «مسلم» دو مفهوم دارد: یکی مسلمان بودن و دیگری مرد بودن، اما روشن است که در این موارد جنسیت مورد نظر نیست و در معنا دخالت ندارد.

### فرع سوم: زنان معلّم و محدّث در صدر اسلام

مساجد، مراکز تعلیمات دینی و عمومی بود که زنان نیز می توانستند به آن رفت و آمد کنند و در مجالس علمی آن حضور یابند. زنان در صدر اسلام نه تنها از حق تحصیل دانش برخوردار بودند بلکه این حق را هم داشتند که به تعلیم و نشر دانش بین زنان و مردان بپردازند و در بین آنان معلمان و استادانی در بخش های مختلف علوم اسلامی وجود داشت، به ویژه در زمینه علم حدیث که زنان می توانستند در آن رشته به درجه استادی نایل شوند و در این باره با محدثان و حافظان بزرگ به رقابت برخیزند و نمونه بارزی در امانت و عدالت باشند. کار زنان محدث به جایی رسید که علماء و ناقدان حدیث اعتبار و اعتماد کاملی برای آنان قایل شدند که بسیاری از بزرگان از بین دانشمندان مشهور اسلام نتوانستند به این مرتبه از اعتماد نایل شوند.

<sup>22</sup> - سوره ص: الآیه 28

<sup>23</sup> .تفسیر نمونه: ج 19، ص 261

<sup>24</sup> - سوره الحجرات: الآیه 13

<sup>25</sup> .تفسیر نمونه: ج 22، ص 196

<sup>26</sup> - محمد الأمين الشنقيطي، تفسير "أضواء البيان" ج 6، ص 637. و سيبويه، "الكتاب"، ج 1، ص 22..

<sup>27</sup> - صحيح البخاري باب المسلم من سلم المسلمون من لسانه ويده. شماره حدیث: 9

<sup>28</sup> - المستدرک، کتاب العلم شماره حدیث: 318

امام ذهبی در کتاب "میزان الاعتدال فی نقد الرجال" که آن را به نقد راویان حدیث و میزان صداقت و جایگاه علمی ایشان اختصاص داده است، در باب زنان محدث می‌گوید: من از بین زنان محدث کسی را نمی‌شناسم که در این زمینه متهم و متروک شده باشد.<sup>29</sup>

ابن حجر عسقلانی در کتاب "الإصابة فی تمیز الصحابة" به تعداد 1522 نفر<sup>30</sup>، ابن الأثیر در کتاب "أسد الغابة" بیش از هزار نفر از زنان صحابه‌ی رسول اکرم ﷺ را نام می‌برد که مصادر فقه، حدیث، تفسیر، تاریخ و سیرت بودند<sup>31</sup>، و هر کدام مانند مردها به علوم مختلف وارد بودند، از آنجمله می‌تواند عائشه، فاطمه، أم سلمه، أم أسلم، أم جمیل، أم درداء، أسماء بنت عمیس و غیره را نام برد.

#### فرع چهارم: تقسیم علوم به دینی و دنیوی

تقسیم دیگر علم به اساس اینکه آیا علم دینی بالای همه با جزئیات اش واجب است یا نه؟ علم دینی‌ای که بالای همه واجب است، شش قسم است:

1- علم عقیده: مسلمان باید با آموختن علم عقیده، الله متعال را بشناسد صفات او را بداند، شرک را بفهمد تا از آن خودداری نماید، رسول الله ﷺ را بشناسد و بداند که مسؤولیت‌ها او در برابر پیامبر ﷺ چیست، تا جایگاه و قدر او را بفهمد. بناء، علم عقیده بالای هر شخص واجب است، اما تخصص در آن بالای همه واجب نیست. مسلمان با آموختن علم عقیده میدانند که عبادت الله متعال را چه طور اداء نمایند، تا از شرک و خرافات در عبادات خویش دوری نماید.

2- عبادات واجبه: مانند وضوء، غسل، تیمم، نماز، روزه، حج و زکات و امثال آنها.

3- احکام حلال و حرام: مسلمان باید احکام حلال و حرام در امور فردی و اجتماعی و حقوق متعلق به الله و حقوق متعلق به بندگان را بداند، و در مورد گناه‌های کبیره معلومات بدست آورد تا از آن دوری نماید.

4- مسلمان باید حکم اسلام در مورد تعامل با اشخاصی که هم‌ریش زندگی میکنند، بداند، مانند تعامل با پدر و مادر، برادر، خواهر، استاد، همسایه، خویشاوندان و غیره.

5- حکم اسلام در میدان کار و وظیفه: مسلمان باید بداند که اسلام در مورد کاری که میکند چه حکم دارد، مانند طبابت، یک داکتر باید بداند که آیا طبابت اش مطابق احکام اسلامی است یا خیر، مثلاً شخصی سرش درد میکند، و به داکتر می‌گوید: اگر سجده کنم سرم بسیار درد میکند، داکتر برایش می‌گوید: نماز را ادا مکن، اگر این داکتر حکم اسلام را در این مورد می‌دانست این نوع تداوی را نمی‌کرد، چرا که پیامبر ﷺ در مورد نماز مریض می‌فرماید: (عَنْ عِمْرَانَ بْنِ حُصَيْنٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ سَأَلْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الصَّلَاةِ فَقَالَ: صَلِّ قَائِمًا فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَقَاعِدًا فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَعَلَى جَنْبٍ)<sup>32</sup> ترجمه: عمران بن حصین فرزند حصین ﷺ می‌گوید: من مرض بواسیر داشتم، از رسول اکرم ﷺ

<sup>29</sup>- ذهبی، میزان الاعتدال، ج 3 ص 395

<sup>30</sup>- الإصابة فی تمیز الصحابه، ابن حجر عسقلانی، ج 5 ص 219-483

<sup>31</sup>- أسد الغابة، ابن اثیر، ج 5 ص 389 تا آخر

- صحیح البخاری باب الطیب للجمعه. شماره حدیث: 1117<sup>32</sup>

در مورد نماز پرسیدم. پیامبر ﷺ فرمود: نماز را ایستاده اداء، اگر نتوانستی، نشسته اداء کن، و اگر نتوانستی، به پهلو اداء کن.

6- مسلمان باید زبان عربی را تا حدی بیاموزد که معنای عبادتی را که اداء می‌کند بداند.

آنچه علوم دینی است، یکی آموختن اش فرض کفائی است، مربوط بخشهای تخصصی علوم دینی می‌شود، که با آموختن آن توسط تعدادی از علماء که بتوانند مشکلات جامعه را در بخش اجتهاد و افتاء حل نمایند، این فرضیت از گردن دیگران ساقط می‌شود.

آموختن علوم دنیوی نیز فرض کفائی است، مانند طبابت، انجینری، اداری، زراعت و غیره.

### گفتار دوم: حق تعلیم و تربیه زنان از دیدگاه قوانین افغانستان

در افغانستان زنان جهت کسب علم و دانش مشکل قانونی ندارند، و از اوانی که در افغانستان قوانین، مدون شده است کسب تعلیم و تربیه، و کسب علم و دانش طبق احکام دین اسلام ضروری گردانیده شده است، ولی عملاً زنان با مشکلاتی روبرو هستند که از حاکمیت عنعنات نا پسند سرچشمه گرفته و زنان را مجبور به عدم استفاده از این حق اسلامی و قانونی شان نموده است.

در قانون اساسی 1382 هـ افغانستان، حق تعلیم و تربیه و فراگیری آن برای مرد و زن، یکسان داده شده، و مواد (43) – (44) این قانون، از حق تعلیم و تربیه تمام اتباع افغانستان بدون در نظر داشت جنسیت، حمایت می‌کند. در ماده (43) قانون اساسی، چنین تذکر به عمل آمده بود: "تعلیم حق تمام اتباع افغانستان است که تا درجه لیسانس در مؤسسات تعلیمی دولتی به صورت رایگان از طرف دولت تأمین میگردد." <sup>33</sup> همچنان ماده 44 قانون اساسی افغانستان، از حق تعلیم و تربیه و آموزش زنان مشخصاً حمایت به عمل آورده و چنین تصریح داشت: "دولت مکلف است به منظور ایجاد توازن و انکشاف تعلیم برای زنان، بهبود تعلیم کوچیان و امحای بی سواد در کشور، پروگرامهای مؤثر طرح و تطبیق نماید." <sup>34</sup> در جامعه افغانستان تقریباً (80) فیصد مردم، بی سواد هستند، و فیصدی زیادی از این بی سوادان را بدبختانه زنان تشکیل میدهد، که نجات زنان از این بدبختی نه تنها از جمله وظایف مهم دولت است، بلکه برای زنان با سواد و آگاه افغانستان نیز ضروری است که در این پروسه سهیم شده و خواهران خود را کمک همه جانبه نمایند.

<sup>33</sup> - قانون اساسی 12 جدی 1382، ماده (43)

<sup>34</sup> - همان ماده (44)